

« نشانه‌هایی در خورشید و ماه و ستارگان پدید خواهد آمد. بر زمین، قومها از جوش و خروش دریا پریشان و مُشَوَّش خواهند شد²⁶. مردم از تصور آنچه باید بر دنیا حادث شود، از فرط وحشت بی‌هوش خواهند شد، زیرا نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد²⁷. آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید²⁸. چون این امور آغاز شود، راست بایستید و سرهای خود را بالا بگیرید، زیرا رهایی شما نزدیک است!»²⁹ و این مَثَل را برای آنها آورد: «درخت انجیر و درختان دیگر را در نظر آورید³⁰. به محض اینکه برگ می‌دهند،



می‌توانید ببینید و دریابید که تابستان نزدیک است³¹. به همین‌سان، هرگاه ببینید این چیزها رخ می‌دهد، درمی‌یابید که پادشاهی خدا نزدیک شده است³². آمین، به شما می‌گویم، تا همهٔ این امور واقع نشود، این نسل نخواهد گذشت³³. آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت.

آغاز و پایان بیش از هر موضوع دیگری در کتاب مقدس مورد حمله و پرسش قرار گرفته است. آغاز آن به خلقت و پایان آن به ظهور مجدد مسیح می‌پردازد. این دو موضوع اغلب مورد حمله قرار می‌گیرند زیرا برای ما مسیحیان بسیار مهم هستند. هر کسی که هویت خود را به عنوان موجودی که به شکل خدا و به عنوان فرزند خدا ساخته شده است، نشناسد، آینده‌ای نیز ندارد و طبیعتاً باید بخش دوم را که به پایان جهان می‌پردازد، صرفاً خیالی بداند که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. همین امید به آینده، حتی در میان مسیحیان، از بین رفته است. در عوض، مردم در دنیای ما به دنبال فناوری و علم هستند تا مشکلات اصلی جهان را با آن حل کنند. اکنون به جای ایمان به خدا، ایمان به فناوری وجود دارد. و مردم سعی می‌کنند با جهان آنگونه که هست کنار بیایند. اما ظهور مجدد مسیح یکی از پیام‌های اصلی کتاب مقدس است و نمی‌توان آن را با چیز دیگری جایگزین کرد. بدون ظهور مجدد مسیح، پیام مسیحیت سطحی باقی می‌ماند. زیرا بدون ظهور مجدد مسیح، رستاخیزی وجود ندارد. و بدون رستاخیز، همانطور که پولس می‌گوید، ما بدبخت‌ترین مردم در دنیا هستیم.

در این متن، عیسی حواس ما را به آینده جلب می‌کند. او این کار را با کلماتی که همین الان خواندیم انجام می‌دهد. او از تصاویر دراماتیکی که امروز می‌توانیم ببینیم استفاده می‌کند و با آن توصیف می‌کند که دنیا باید به انتها برسد: «بر زمین، قومها از جوش و خروش دریا پریشان و مشوش خواهند شد». اما برخلاف نویسندگان آخرالزمانی مدرن، عیسی این فضای تاریک و محکوم به فنا را با امیدی درخشان ترکیب می‌کند. عیسی چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ آیا اصلاً ممکن است زمان آخرالزمان به امید پیوندد؟ چگونه می‌توان پایان جهان را با امید آشتی داد؟ من معتقدم که مسئله امید، سؤال اساسی است که ما مسیحیان به جهان بدهکاریم. اما چگونه این کار را انجام دهیم؟ اول و مهمتر از همه، باید از همان ابتدا درک کنیم که امید نمی‌تواند از درون ما، حتی از ما مسیحیان، سرچشمه بگیرد. ما مسیحیان، مانند جهان، فانی هستیم. بنابراین، ما مسیحیان نیز مانند هر کس دیگری از همان علائم جهان سقوط کرده رنج می‌بریم. هیچ پاسخ قطعی برای بحران‌های بزرگ جهان نداریم. ادعای خلاف این، گستاخانه خواهد بود. وقتی عیسی می‌گوید: «این نسل تا زمانی که همه این اتفاقات رخ ندهد، تمام نخواهد شد...» او فقط به افرادی که در زمان او زندگی می‌کردند اشاره نمی‌کند، بلکه به ماهیت و وضعیت ما انسان‌ها به طور کلی اشاره دارد. وضعیت انسانی ما، آنطور که تحت شرایط گناه و مرگ است، تا زمانی که عیسی نیاید، از بین نخواهد رفت. و تا آن زمان، ما مسیحیان نیز در این وضعیت ناقص باقی می‌مانیم. و با این حال، ما مسیحیان در میان این نابودی، پایه و اساس مطمئنی از

امید داریم. خود خداوند ما عیسی به ما اطمینان می‌دهد: وقتی دنیا به پایان می‌رسد، سر خود را در شن فرو نکنید! اما دقیقاً به این دلیل که می‌دانید پایان نزدیک است، باید سر خود را بالا بگیرید و به رستگاری آینده چشم بدوزید! اساس امید ما، یک جمله فرعی است که عیسی آن را به از بین رفتن آسمان و زمین مرتبط می‌کند. وقتی عیسی می‌گوید آسمان و زمین از بین خواهند رفت، ما اغلب این جمله فرعی را فراموش می‌کنیم... که می‌گوید: اما سخنان من از بین نخواهند رفت. اینکه سخنان عیسی از بین نمی‌روند، چه معنایی دارد؟ نخست به این معنی است که با از بین رفتن جهان ما چیزی را از دست نمی‌دهیم، بلکه این به سود ماست. زیرا آخرالزمان نه تنها شامل نابودی جهانی که ما می‌شناسیم می‌شود، بلکه شامل رستگاری نیز. بنابراین، عیسی به ما می‌گوید: «وقتی همه اینها را می‌بینید، ناامید نشوید، زیرا زمان رستگاری شما نزدیک است!» اینکه سخنان عیسی از بین نخواهد رفت، برای ما به این معنی است که بخشش او و فرزندی همیشگی که از او دریافت کرده‌ایم نیز هرگز از بین نخواهد رفت. ما از عدالت او راضی خواهیم بود. از همه چیزهایی که اکنون بر ما سنگینی می‌کنند، تسلی خواهیم یافت. ما به جشن بزرگ عروسی دعوت خواهیم شد و جهانی که می‌شناسیم به نوعی وجود خواهد داشت، اما بدون گناه، بدون جنگ، و ما یکدیگر را رو در رو خواهیم دید. آنچه عیسی سپس در مقابل چشمان ما ترسیم می‌کند، به هیچ وجه با تجربیات ما همخوانی ندارد: مسیحی که از آسمان فرو می‌آید و همه چیز را با قدرت و جلال فراوان درست می‌کند. تصویر عیسی بازگشته را نمی‌توان تجربه یا اثبات کرد. ما همچنین نمی‌توانیم سعی کنیم توضیح دهیم که چرا آمدن او به تأخیر افتاده است. حتی کمتر از آن، نباید با تلاش‌های گوناگون سعی کنیم تا توجیه دیگری برای وجود خود به دست آوریم... مثلاً بگوییم: «از آنجا که ایمان به مسیح بازگشته دیگر معتبر نیست، باید کارهای خوب دیگری انجام دهیم.» نه، عیسی که روزی آسمان‌ها را خواهد گشود، از ما پنهان می‌ماند. او باید پنهان بماند. او همیشه اینگونه عمل کرده است. به جای ورود به اورشلیم با قدرت و لشکر فرشتگان، به صلیب رفت و مرد! قدرت عیسی از آن زمان تاکنون از کلیسا پنهان مانده است. قدرت او حتی امروز نیز از ما پنهان مانده است. اما آنچه باقی می‌ماند کلام و وعده اوست که به ما می‌دهد. این کلماتی که عیسی به ما می‌دهد کلمات مرده نیستند، بلکه زنده هستند. و چون زنده هستند، به خدای زنده نیز متصل هستند. دعاها و مراسم عبادی ما صرفاً تسلی خاطر یا فریادی درمانده در تاریکی در میان فریادهای بسیار دیگر نیستند. نه، اینجا و اکنون ما به خدا متصل هستیم.

بنابراین، بسیار مهم است که ما مسیحیان از آینده غافل نشویم. عیسی به ما هشدار می‌دهد که نشانه‌هایی وجود خواهد داشت که به بازگشت او اشاره دارند. این بدان معنا نیست که ما روز بازگشت او را خواهیم دانست. اما نشانه‌ها را خواهیم دانست. نگاه کنید، نشانه‌ی درخت انجیر را ببینید. نشانه‌هایی که عیسی توصیف می‌کند، نشانه‌های قدرتمندی هستند. در گذشته خورشید و ستارگان در سفرها برای مردم راهنمایی فراهم می‌کردند. وقتی آنها متزلزل می‌شوند، به این معنی است که جهت‌یابی از دست رفته است. به همین ترتیب، وقتی دریا از هم می‌پاشد. اینها نشانه‌هایی هستند که امروز می‌توانیم دوباره مشاهده کنیم. قوانینی که زمانی صادق بودند، از هم پاشیده‌اند. و ملت‌ها، مانند دریا، علیه یکدیگر قیام می‌کنند، به طوری که برای بسیاری، ترس از نابودی نهایی جهان خیلی زیاد است. و وقتی همه اینها را می‌بینید، عیسی می‌گوید، ناامید نشوید. ناامید نشوید، زیرا همه چیز تمام نشده است.

و بنابراین، عیسی به ما می‌گوید: «سرتان را بالا بگیرید! وقتی می‌بینید که دنیا از هم پاشیده است!» خودتان را آماده کنید. خودتان را برای مسیحی که در راه ماست آماده کنید. عیسی عمداً تصویری از فجایع دنیا ترسیم نمی‌کند یا آنها را توصیف

نمی‌کند. عیسی می‌خواهد تمرکز ما نه بر فجایع، بلکه بر او باشد، که نجات و آینده ماست. عیسی آنجاست. درست در میان ترس. این نزدیکی به او ما را تغییر می‌دهد، حتی زمانی که هیچ چیز از نظر ظاهری تغییر نکرده است. زندانی که در دورترین سلول زندان نشسته است، ناگهان صدای دیوارهای زندان خود را می‌شنود که خراب می‌شوند. می‌داند که این سر و صدای دشمن نیست، بلکه دوستی است که می‌خواهد او را بیرون بیاورد. و به همین دلیل است که او حتی زمانی که فرو ریختن دیوارها را می‌بیند، چیزی که به معنای نابودی زندان است، شاد می‌شود. ما که در گناه و مرگ زندانی هستیم، هنوز در زندان هستیم. به اصطلاح، ما در مرز بین مرگ و زندگی جدید هستیم. این سخنان پروردگار ماست که رهایی ما را از این وضعیت اعلام و تأیید کرده است. آنچه در اطراف ما اتفاق می‌افتد بی‌اهمیت نیست. و با این حال، هیچ یک از آنها ما را تعریف نمی‌کند. مردمی که مانند زمان نوح، طوری می‌خوردند و می‌نوشیدند گویا فقط دنیای فانی و اکنون وجود دارد، و مردمی که در پایان جهان از نگرانی هلاک می‌شوند، زیرا جهان در حال نابودی است، هر دو یک چیز مشترک دارند: آنها به خدا توکل ندارند. و سخنان او را به عنوان مدرکی برای رستگاری ندارند. و بنابراین، آنها فقط در اینجا و اکنون گرفتار شده‌اند. مثال عیسی از کشاورز ثروتمندی که فکر می‌کرد: «زیاد داشتن، زندگی را تضمین می‌کند»، نشان می‌دهد که واقع‌گرایی ظاهری او همراه‌کننده بود. سخنان عیسی ما را به هوشیاری فرا می‌خوانند. زیرا می‌توان به عیسی نزدیک بود و در عین حال طوری زندگی کرد که گویی او وجود ندارد. جالب است که عیسی ما را به انجام کارهای بیشتر تشویق نمی‌کند، بلکه می‌گوید که باید بارهای خود را سبک‌تر کنیم. باید چیزهایی را که بر ما سنگینی می‌کنند، به آرامی کنار بگذاریم، سر خود را بالا بگیریم و به آینده نگاه کنیم. هیچ وظیفه معنوی بر ما تحمیل نشده است، بلکه یک واقع‌گرایی معنوی به ما توصیه شده است که هم در این زندگی و هم در زندگی آینده، مسیح را در نظر بگیریم. هر کس به این طریق به عیسی امید داشته باشد، حال را از دست نمی‌دهد. برعکس، هر لحظه گرانبها می‌شود زیرا سرشار از آینده است. آمین.